ادامه از صفحه ۵

برنت مرز ۵۰ دلار را درنوردید

وی دلیل اصلی این امر را افت تولید نفت ماسه‌ای آمریکا و افزایش تقاضا در فصل تابستان می‌داند و بیان کرده است: کشورش برای حصول توافق بر سر کاهش تولید، در نشست بهاره اوپک تلاش خواهد کرد.

زیان بی‌سابقه شرکت نفتی شل: پایین‌بودن قیمت‌های نفت سبب زیان عظیم شرکت‌های نفتی شده است. روز پنجشنبه رئیس شرکت نفتی انگلیسی- هلندی رویال‌داچ‌شل (Royal Dutch Shell) اعلام کرد، شرایط بازار نفت سبب شده است، درآمد این شرکت به کمترین میزان در یک دهه اخیر برسد. ازاین‌رو این شرکت مجبور خواهد بود به منظور کاهش هزینه‌ها تا پایان سال جاری میلادی، ۱۲هزارو ۵۰۰ نفر از کارکنان خود را اخراج کند. به گزارش بانک مرگان‌استنلی، پایین بودن قیمت نفت، سبب کاهش فعالیت‌های اکتشافی شرکت‌های نفتی شده است؛ به طوری که آمار کشف میادین جدید نفتی و گازی در سال گذشته میلادی به پایین‌ترین حد از سال ۱۹۵۲ میلادی رسیده است.

اجلاس بهاره اوپک: قیمت‌های پایین نفت در دو سال اخیر، رقابت‌هایی بین تولیدکنندگان بزرگ ایجاد کرده است. بنا به گزارش خبرگزاری بلومبرگ، رقابت عربستان با نفت ماسه‌ای (شیل) آمریکا، در چند سال اخیر شدت گرفته است. بنابراین گزارش، این مسئله سبب خواهد شد اجلاس بعدی اوپک بر سر کاهش عرضه نفت به نتیجه نرسد و توافقی میان کشورهای عضو ایجاد نشود. همچنین وزیر انرژی روسیه، در مصاحبه‌ای اعلام کرد: عدم توازن در بازار نفت تا میانه سال ۲۰۱۷ میلادی، باقی خواهد بود. وی همچنین به نتیجه رسیدن نشست بهاره اوپک در راستای اقدام هماهنگ در بازار نفت را بعید دانست. لازم به ذکر است سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) براساس اساسنامه خود، سالانه دو اجلاس برگزار می‌کند و صدوشصت‌ونهمین اجلاس سالیانه این سازمان در روز دوم ژوئن در وین برگزار خواهد شد.

قیمت گاز طبیعی: به گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA)، قیمت اسپات هنری‌هاب (Henry Hub) به‌عنوان شاخصی برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا در هفته منتهی به بیست‌وهفتم می، در سطح یک‌دلارو ۹۶ سنت به ازای هرمیلیون بی‌تی‌یو یا واحد گرمایی انگلیسی (MMBtu) مبادله شد؛ که ۱۵ سنت از هفته گذشته بیشتر است. با توجه به‌اینکه در تابستان به دلیل استفاده از دستگاه‌های خنک‌کننده، تقاضای گاز بالاتر می‌رود، قیمت این سوخت تابعی از درجه حرارت خواهد بود؛ و اگر تابستان گرمی را پیش‌رو داشته باشیم، باید انتظار افزایش قیمت‌های گاز طبیعی را داشت.

ارتقای کشاورزی خرده‌پا در گرو توجه به زنان کشاورز

زنان کشاورز برای دسترسی به منابع مولد برای افزایش بازده و بهره‌وری عملکرد تولید و کارآفرینی، با محدودیت مواجه هستند. به‌عبارتی، دیگر زنان کشاورز نسبت به مردان از فرصت‌های برابر برخوردار نیستند. به‌همین‌دلیل است که بهره‌وری آنان نسبت به مردان کمتر است. زنان در دسترسی به منابع مالی، زمین، امور پشتیبانی تولید نسبت به مردان با محدودیتی جدی مواجه هستند. زنان کشاورز فقط هفت درصد از خدمات ترویج کشاورزی و کمتر از ۱۰ درصد از منابع اعتباری اختصاص‌یافته به کشاورزان مقیاس کوچک را دریافت می‌کنند. زنان کشاورز دارای زمین کمتر و زمین آنها اغلب از کیفیت پایین‌تر از زمین‌های متعلق به مردان برخوردار است. این در حالی است که بیش از ۴۰ درصد نیروی کار بخش کشاورزی را زنان تشکیل می‌دهند و لزوم توجه به آنان در برنامه‌های توسعه هم از نظر تولیدی و هم توسعه انسانی و رفاه ضرورت می‌یابد. دیدگاه توسعه‌ای صاحب‌نظران براین‌اساس است که در توسعه واقعی، هدف باید توسعه منابع انسانی باشد، چون مهم‌ترین سرمایه هر جامعه‌ای نیروی انسانی آن است. بنا بر گزارش مرکز تحقیقات توسعه بین‌المللی، زنان در آفریقا درحال‌حاضر فقط دارای یک درصد زمین هستند و اگر زنان دسترسی برابر مانند مردان به منابع کشاورزی داشته باشند، تولید در مزارع زنان در کشورهای درحال‌توسعه ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش می‌یابد. تحقیقات نشان می‌دهد اگر زنان کشاورز در کنیا همان دسترسی به نهاده‌های مزرعه، آموزش و تجربه مردان را داشته باشند، بازده ذرت و لوبیای تولیدی زنان می‌تواند به اندازه ۲۲ درصد افزایش یابد و اگر محدودیت برای زنان برداشته می‌شد، حاصل آن دوبرابرشدن نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کنیا در سال ۲۰۰۴ از ۴،۳ درصد به ۸،۳ درصد (بانک جهانی) می‌شد. ازهمین‌رو است که توجه به زنان کشاورز و رفع محدودیت‌های آن با توجه به اثربخشی آنان و نگاه توسعه انسانی، مدنظر بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است. در بسیاری از کشورها برنامه و اقدامات مختلفی برای توانمندسازی زنان کشاورز تدوین و اجرا می‌شود. برای مثال در پاکستان، شرکت «نستله» بیش از ۱۸۰ میلیون دلار در سال برای تهیه شیر و سه میلیون دلار برای حمایت فنی و آموزش برای کشاورزان. هزینه می‌کند. نستله پاکستان با همکاری برنامه توسعه سازمان‌ملل متحد (UNDP)، به چهار هزار زن کشاورز مشاوره می‌دهد. این پروژه کمک‌های فنی و مشاوره‌ای درباره سلامت دام، پرورش و تولید علوفه به دامداران زن در مناطق روستایی پاکستان ارائه می‌دهد که هدف آن بالابردن کیفیت و ارزش شیر تولیدی آنان بوده که افزایش تولید و درآمد را به همراه داشته و به‌نوبه خود باعث ارتقای اقتصاد محلی و ملی می‌شود.

سهم‌خواهی قانونی شهرداری از برج باغ‌ها

ادامه از صفحه ۵

یعنی باید به وزارت جهاد کشاورزی حق وتو داد؟

قطعا، در جهاد چند مسئولیت داریم. ما مسئول امنیت غذایی هستیم، یعنی با ۲۰ میلیون هکتار زمین کشاورزی باید غذای جمعیت ۸۰میلیونی کشور را تأمین کنیم. دوم، با جنگل‌ها و مراتع باید به فکر تثبیت خاک و مسائل محیط زیست باشیم. سوم، باید از زمین‌های کشاورزی حفاظت کنیم؛ یعنی تغییر کاربری ندهیم، امنیت غذایی ایجاد کنیم و منابع پایه آب و خاک را هم برای آیندگان حفظ کنیم. وقتی این اختیار را نداریم که بگوییم در این زمین نباید ساخت‌وساز باشد و به خدمات و صنعت تبدیل نشود و رأی غالب نداریم، یعنی نمی‌توانیم مأموریتمان را انجام دهیم. در خیلی از موارد در زمینی هزینه می‌کنیم، با نوسازی تجهیزات و یکپارچه‌سازی زمین و به‌کارگیری سیستم‌های نوین آبیاری، تلاش می‌کنیم که در آن تولید اتفاق بیفتد ولی هم‌زمان یک دستگاه دیگر، طرحی دیگر را انجام می‌دهد. شهر را توسعه می‌دهند یا طرح‌های عمرانی پیاده می‌کنند و حاضر هم نیستند طرح را جای دیگری ببرند. مگر کل زمین‌هایمان چقدر است که می‌خواهیم تمام ظرفیت‌های گردشگری و عمرانی و ویلاسازی را انجام دهیم؟ وقتی زمین‌ها تمام شد، چه کار خواهیم کرد؟ در شمال ایران، آب و هوا و خاک خوب وجود دارد. ولی این زمین‌ها به بهانه توسعه شهرها و روستاها به‌سرعت دارد به ویلا، مسکن و... تبدیل می‌شود. بی‌توجه به اهمیت این اراضی برای کشاورزی و امنیت غذایی کشور، طرح‌های هادی روستا و طرح‌های جامع شهری را در این مناطق توسعه می‌دهند. این ایراد بزرگ نظام شهرسازی ماست که الگوی توسعه شهر و روستا در شمال کشور با مناطق کویری یکی است. درحالی‌که در شمال با توجه به اهمیت خاک و مسئله تولید کشاورزی، نباید توسعه سطح داشته باشیم و باید به سمت توسعه عمودی برویم و به کسانی که توسعه عمودی می‌دهند، مشوق دهیم.

اشاره کردید ۹۵ درصد اراضی زیرمجموعه جهاد کشاورزی است، اما از این میان بیش از ۸۰ درصد زمین‌ها، جنگل، مرتع و بیابان است که زیرمجموعه سازمان جنگل‌هاست و کمتر از ۱۵ درصد مربوط به زمین‌های کشاورزی که زیرمجموعه سازمان امور اراضی کشور محسوب می‌شود. زمزمه‌هایی شنیده می‌شود که سازمان جنگل‌ها از زیرمجموعه جهاد کشاورزی خارج شود. در این صورت چه اتفاقی برای مالکیت اراضی کشور خواهد افتاد؟

پیوستگی بخش کشاورزی، جنگل‌ها و مراتع چیزی نیست که بتوان آنها را از هم جدا کرد. بخش کشاورزی، زراعت، باغ، شیلات، دام، جنگل و مرتع در هم تنیده است و نمی‌توان گفت دام در جهاد باشد و مرتع نباشد. یا اینکه آبخیزداری به‌عنوان مبنای حفاظت از خاک و طبیعت باشد و دیگری نباشد. این کار اصلا منطقی نیست. پس به‌هیچ‌وجه نباید بین زنجیره‌های بخش کشاورزی گسست ایجاد شود، چون نظام حفاظت و تولید به هم می‌خورد که به نفع کشور نیست. در گذشته مجلس، بازرگانی و تنظیم بازار کشاورزی را که در جهاد نبوده، از وزارت بازرگانی گرفتند و به وزارت جهاد کشاورزی دادند چون از ابتدای تولید تا انتهای تنظیم بازار و فروش باید تحت یک مدیریت باشد. در همه دنیا هم همین است؛ ما که بنا نیست خارج از تجربه دنیا از نو چرخ را اختراع کنیم. همه این مسیر را رفته‌اند و جواب گرفته‌اند به همین دلیل حفاظت از زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی را نمی‌توان از هم و از جهاد کشاورزی جدا کرد. به‌هم‌خوردن زنجیره یعنی تخریب دوباره منابع. درحال‌حاضر یکی از طرح‌هایی که دنبال می‌کنیم این است که زمین‌های شیب‌دار دارای قابلیت کشاورزی به باغ تبدیل شوند، یعنی به‌نوعی جنگل‌کاری می‌شود؛ چون در زمین‌های شیب‌دار نباید زراعت انجام شود، به این دلیل که مدیریت مناسب آب و خاک وجود ندارد، فرسایش افزایش می‌یابد و خاک تخریب می‌شود. می‌توان در این زمین‌ها در قالب باغ، درختانی کاشت که با گونه‌های طبیعی سازگار باشد و آب کمتری مصرف و به‌نوعی پوشش جنگلی را هم تأمین کند و هم گونه‌هایی بکاریم که مردم رغبت به مشارکت داشته باشند. به همین دلیل طرح توسعه باغ‌ها در اراضی شیب‌دار را با ترکیبی از زمین‌های مستثنیات مردم و اراضی ملی شروع کردیم. در نظر داریم سازوکار را به گونه‌ای تنظیم کنیم که بتوانیم در برنامه ششم بین ۸۰۰ تا ۸۶۰ هزار هکتار زمین‌ها را به باغ تبدیل کنیم. مهم این است که منابع آب و خاکمان تثبیت شود.

این روال منطقی است اما این زمزمه وجود دارد.

زمزمه‌ای نمی‌شنوم. شاید خیلی‌ها نظر می‌دهند اما تصمیم‌گیران اصلی نظام به این مباحث توجه دارند و به همین دلیل تابه‌حال تصمیمی نگرفته‌اند. دکترین توسعه شهری است که اکنون تهدیدکننده است. باید بپذیریم بخش‌هایی از مناطق ایران و شهرها باید حد یقِف داشته باشند. مثلا اگر لحاظ می‌کنیم جمعیت تهران نباید بیش از ۱۰ میلیون باشد، باید شرایط را به گونه‌ای تنظیم کنیم که وقتی جمعیت از این حد بیشتر شد، زندگی‌کردن به‌صرفه نباشد. هزینه‌ها را بالا ببریم که مردم به سمت آبادکردن روستاها بروند. اکنون در روستاها زمین‌های کشاورزی زیادی وجود دارد. افرادی هستند که از روستا به تهران می‌آیند و کار خدماتی می‌کنند اما در روستای خودشان کار کشاورزی نمی‌کنند و در مقابل، اراضی کشاورزی حاشیه این روستاها برای تفرج و تفریح کوتاه‌مدت شهرنشینان متمول به ساخت ویلا اختصاص می‌یابد. به همین دلیل می‌بینید به بهانه شهرسازی و توسعه شهری و روستایی، مدام زمین‌های کشاورزی، چه در حاشیه روستا و چه در حاشیه و حریم شهر بلعیده می‌شوند.

قدرت آنها خیلی بیشتر است؟

به‌هرحال جامعیت مطلقی که وزارت جهاد به اندازه مسئولیتش در اختیار دارد، کم است و خیلی وقت‌ها حرف ما تصویب نمی‌شود، درحالی‌که تمرکز امور حاکمیتی مثل سیاست‌گذاری و تولی‌گری باید با این وزارتخانه باشد.

در «طرح حفاظت اراضی کشاورزی» یکپارچگی امور حاکمیتی اراضی در نظر گرفته شده بود. نتیجه چه شد؟

در طرحی که نماینده‌ها ارائه داده بودند، دو، سه محور وجود داشت. یکی طرح کنترل شهری بود. درحال‌حاضر زمینی که در شهرها کاربری‌اش فضای سبز می‌شود، می‌گویند مالکش بیچاره شده، در صورتی که نیاز مردم شهر همان فضای سبز است. ولی آیا یک شخص باید تاوان نیاز شهر را بدهد؟ شما نباید تمام تاوان شهر را پرداخت کنید. شهر هم باید شما را تأمین کند که شما باغ و فضای سبز را حفظ کنید. رویکرد این قانون این بود که اگر زمین کسی تبدیل به فضای سبز یا باغ شد، دولت یا شهرداری خدماتی به او بدهد که برای مالک باغ یا فضای سبز به‌صرفه‌تر باشد به جای ساخت‌وساز، فضای سبز را نگه دارد. از بحث‌های دیگر در قانون این بود که هر دستگاه به‌راحتی نتواند زمینی را به محدوده شهرها و روستاها اضافه کند. بنا بود همه دستگاه‌های کشور از قوای سه‌گانه و به‌ویژه دستگاه‌های دولتی موظف باشند اگر زمین و باغی در مالکیت خودشان دارند، حفظ کنند و حق ندارند به سمت ساخت‌وساز بروند. این بخش در قانون بود اما تصویب آن به مجلس نهم نرسید.

اختلاف نظرها در چه مواردی بود؟

بخشی ناشی از این بود که دستگاه‌هایی که امروزه مجوز ساخت‌وساز می‌دهند، در قیدوبند این قانون قرار می‌گرفتند و حق نداشتند از این قانون عدول کنند. شاید پذیرفتن این امر برایشان سخت بود. یک بخش هم در ارتباط با تمرکزهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حاکمیتی در حوزه زمین در وزارت جهاد کشاورزی بود. بخشی هم در مورد این بود که برخی از تغییرکاربری‌ها با ممنوعیت مطلق مواجه شد. مثل زمین‌های زیر سدها، زمین‌های درجه‌یک کشاورزی، زمین‌های تجهیز و نوسازی‌شده و زمین‌هایی که باغ هستند. واقعا کمتر از ۱،۵ درصد مساحت کشورمان باغ است و چرا باید این میزان را کمتر کنیم؟ باید سعی کنیم فضای باغات را بیشتر کنیم. به نظرم خیلی‌ها طرح را نخوانده بودند و اعلام نظر می‌کردند. حالا تا مجلس جدید بیاید و موعد تصویب جدید برسد، یک سال طول می‌کشد و در این مدت زمین‌های زیادی از بین خواهند رفت که به نفع کشور نیست. اینکه مجلس جدید چه رویکردی دارد و چنین طرحی را خواهد پذیرفت، مشخص نیست. عده‌ای هم با حب و بغض به این موارد نگاه می‌کنند. مثلا کسانی که ماده ۳۴ را تصویب کرده بودند، حتی در نامه‌هایی که نوشته بودند، پیشنهاد داده بودند که بخش‌هایی از این طرح حذف شود و ماده ۳۴ را تمدید کنیم. درحالی‌که ماده ۳۴ به این معنی است که به هرکسی که زمین منابع طبیعی و دولت را تصرف کرده، سند بدهیم که این کار خود اصلی‌ترین موردی است که زمین‌خواری را ترویج می‌کند.

کسانی که مخالف طرح بودند، این امر را می‌خواستند؟

بله و در بیرون شعار می‌دادند که طرح نمایندگان، زمین‌خواری ایجاد می‌کند و زمین‌های ملی و دولتی را به تاراج می‌گذارد. درحالی‌که هیچ کجای این طرح چیزی تحت عنوان اینکه تصرف زمین‌های دولتی و ملی مجاز باشد، وجود ندارد. این طرح هیچ ارتباطی به اراضی ملی نداشته است که بخواهد تعیین تکلیف کند منابع ملی چه می‌شود.

چه کسی پشت این مخالفت‌ها بود؟

سعی نکردم خیلی در این مورد کنکاش کنم. اما برخی از درآمدها و ساخت‌وسازها با این کار محدود می‌شد و مخالفت می‌کردند.

از این طرح که بگذریم، گویا تیمی از وکلا وجود دارند که زمین‌های واگذارشده در اوان انقلاب را پیدا می‌کنند و با برقراری ارتباط با صاحبان آنها، به دنبال بازپس‌گیری یا اخذ خسارت می‌روند. بنا را هم می‌گذارند بر اینکه خسارت را با صاحب زمین نصف کنند. در واقع با برنامه‌ریزی از پیش، درآمدزایی از قِبَل این بازپس‌گیری‌ها عاید آنها می‌شود. در این رابطه اطلاعی دارید؟

این هم یک نمونه است. هم این زمین‌ها و هم زمین‌هایی که موات اعلام شده، هر دو زمین‌های در اختیار دولت هستند و جزء اراضی ملی و عمومی هستند. سه دهه پیش تشخیصی داده شد و اکنون شاید آن افراد نباشند یا شرایط تشخیص وجود نداشته باشد، اما مدرک‌سازی و دلیل‌تراشی می‌کنند. زمینی که پنج سال کشاورزی انجام ندهد و به زمین بایر تبدیل شود، دولت حق تملک آن را دارد. مثلا امروز زمینی به‌عنوان بایر تملک می‌شود و ۲۰ سال بعد با طرح یک شکایت باید تحقیق شود که دو دهه قبل شرایط زمین چگونه بوده و آیا کشاورزی در آن انجام می‌شده یا نه. با چه بینی باید این تحقیقات را انجام دهیم؟ همه اینها تحقیقاتی است که در زمان خودش صورت گرفته.

گروه سازمان‌یافته‌ای هستند؟

نمی‌توان این‌طور گفت. وکلایی هستند که برای این کارها تخصص دارند و روی این موارد متمرکز می‌شوند. برخی از آنها بازنشسته‌های دستگاه‌های مربوط به امور زمین کشور هستند که به‌خوبی از این اطلاعات آگاهی دارند.

چه عنوانی روی آنها می‌توان گذاشت؟

به‌هرحال افرادی در این فضا آمده‌اند. بخشی مربوط به ضعف ما در دولت است که کارشناسان و نیروهای متقن حقوقی در این حوزه نداریم، بخشی هم به خاطر نبود تجربیات جدید است. نمی‌توان اسم تیم و دسته را روی آنها گذاشت. این اتفاق برای اراضی دولتی و ملی می‌افتد. حتی در پرونده‌های تغییر کاربری، خیلی از وکلا به‌گونه‌ای بر مقررات ما مسلط هستند یا ما استحکام لازم را در دفاع نداریم که محکوم می‌شویم.

با یک‌سری از ویلاهای غیرمجاز که ساخته و گفته می‌شود ۹۰ درصد آنها در دولت قبل انجام شده، چه برخوردی خواهد شد؟

نمی‌توان به‌صورت دقیق درصدبندی کرد. از سال ۷۴ قانون کاربری تصویب شده، اما تا سال ۹۲ اقدام مؤثری برای برخورد و تخریب انجام نشده است. از دهه ۸۰ به بعد این ساخت‌وسازهای غیرمجاز بیشتر شده، اما در کل، ساخت‌وسازهای غیرمجاز در کشور از سال ۷۴ به این سو بوده است. شاید بتوان گفت بیش از ۷۰ درصد از ساخت‌وسازها در دوره دو دولت قبل بوده و بخش زیادی هم مربوط به قبل از سال ۸۴ است. طبق قانون هم، ساخت‌وسازهایی که بعد از سال ۸۵ انجام شده، باید تخریب شوند و این قانون قرار نیست اصلاح شود و با حکم‌هایی که داریم، برخورد را آغاز می‌کنیم. برخی از این ساخت‌وسازها مجوز شهرداری و دهیاری را دارند یا مجوز نظام‌مهندسی و ضوابط شهرسازی را رعایت کرده و فقط مجوز جهاد را ندارند. پیش‌بینی ما این است که از ۷۴ تا ۹۴ حدود یک میلیون ساختمان در کشور ساخته شدند که مجوزهای جهاد را ندارند. برای خیلی‌هایشان پرونده تنظیم نشده و خیلی‌ها هم پرونده دارند و باید در دادگاه‌ها پیگیری کنیم. تعداد زیادی حکم از مراجع قضائی هم صادر شده که باید حکم را اجرا کنیم. کار متفاوتی که انجام خواهد شد این است؛ هر ساختمانی که از این به بعد تخریب می‌کنیم و به حالت قبلی برمی‌گردانیم ۱) به مالک اخطار می‌دهیم که حتما باید کار کشاورزی انجام شود و اگر این کار را انجام نداد، طبق قانون اراضی بایر می‌توانیم زمین را تملک کنیم. ۲) هزینه‌ای را که بابت تخریب ساختمان و قلع و قمع انجام می‌دهیم، به متخلف اخطار می‌کنیم که باید پرداخت کند و در غیر این صورت با شکایت، او را مجبور به این کار می‌کنیم. به دنبال این هستیم که هزینه تخلف را بالا ببریم. بالاخره کسی که تخلف کرده هم جریمه می‌شود، هم ساختمانش قلع و قمع می‌شود و هم هزینه‌های قلع و قمع را پرداخت می‌کند. در قانون قبلی، کسانی که در گذشته ساخت‌وساز کرده و مجوزهای قانونی سایر دستگاه‌ها را داشتند، ولی فقط مجوز جهاد را نداشتند و زمین هم زمین کشاورزی تولیدی با توان بالا نبوده، می‌توانستیم مجوزهایی بدهیم که حجم قلع و قمع‌ها را کاهش دهیم اما حالا باید حجم وسیعی از ساختمان‌ها را قلع و قمع کنیم. اتفاق دیگر این است؛ از این پس به ازای هر شکایت که برای قلع و قمع ساختمان از یک فرد انجام می‌شود، علیه مسئولی که این مجوز را صادر کرده هم شکایت می‌کنیم. درحال‌حاضر بیش از ۵۰۰ شکایت علیه شهردار، دهیار، بخشدار و دستگاه‌های اجرائی دیگر انجام داده‌ایم و به نظرم تا به حال به ۶۰۰ شکایت هم رسیده است. در این صورت افراد دیگر جرئت تخلف نخواهند داشت و تخلف برای آنها گران تمام می‌شود.

طبق قانون هم، ساخت‌وسازهایی که بعد از سال ۸۵ انجام شده، باید تخریب شوند و این قانون قرار نیست اصلاح شود و با حکم‌هایی که داریم، برخورد را آغاز می‌کنیم. برخی از این ساخت‌وسازها مجوز شهرداری و دهیاری را دارند یا مجوز نظام‌مهندسی و ضوابط شهرسازی را رعایت کرده و فقط مجوز جهاد را ندارند. پیش‌بینی ما این است که از ۷۴ تا ۹۴ حدود یک میلیون ساختمان در کشور ساخته شدند که مجوزهای جهاد را ندارند

کسانی که پیش از سال ۷۴ دست به چنین تخلفاتی زده باشند، چه خواهند شد؟

ما نمی‌توانیم قانون‌های قبلی را اصلاح کنیم. از این به بعد باید قانون را اصلاح کنیم چون قانون عطف به ماسبق نمی‌شود. کسی که قبل از سال ۷۴ ساخت‌وساز کرده، مشمول هیچ‌کدام از این قوانین نمی‌شود.

یکی از انتقادات به چنین ساخت‌وسازهایی این است؛ کسی که ساخت‌وساز غیرمجاز می‌کند پول‌دار است و هزینه‌هایش را هم می‌پردازد.

در طرح جدید یکی از موضوعاتی که نمایندگان دنبال می‌کردند این بود که هزینه را برای کشاورز و روستایی پایین بیاوریم و هزینه را برای کسانی که دنبال ویلاسازی هستند، بالا ببریم. درواقع کسی که در یک روستا زندگی می‌کند، باید اجازه ساخت‌وساز داشته باشد.

این قانون موجب سوءاستفاده از طریق همان فرد روستایی نمی‌شود؟

در طرح پیشنهادی بندی وجود داشت که می‌گفت اگر مسئولی تشخیص اشتباه داد، باید مجازات شود.

این بند در قانون فعلی وجود دارد؟

خیر. برای مسئولی که تخلف می‌کند در اکثر قوانین کشورمان جرمی در نظر گرفته نشده است. وقتی مسئولی احساس کند با کار خلاف، کسی با او کاری ندارد، دقت نمی‌کند اما اگر قرار باشد در صورت تخلف به همان میزان جریمه شود، به‌شدت دقت می‌کند. به‌عنوان مثال بسیاری به دنبال آن بودند که به صورت پنهانی باغ‌شهر را در قوانین بگنجانند؛ در قانون بودجه امسال هم چنین کردند و در حال قانونی‌کردن آن بودند اما با نامه دفتر مقام معظم رهبری اصلاح شد. یعنی اگر دقت نظر دفتر رهبری نبود، شاید به‌راحتی این قانون تصویب می‌شد و باغ‌شهرها قانونی می‌شدند و قرار بود خدمات آب و برق و گاز را هم دریافت کنند. باغ‌های قصرالدشت شیراز زمانی بیش از سه هزار هکتار بود. به بهانه حفاظت از این باغ‌ها، ستادی تشکیل دادند. نتیجه این بود که باغ‌ها به کمتر از هزار هکتار رسید. یک روز گفتند گزارش این کار را بررسی کنیم، گفتیم این گزارش به بررسی نیاز ندارد. وقتی باغ از سه هزار هکتار به هزار هکتار رسیده است، نتیجه مشخص است. ما در این حوزه موفق نبوده‌ایم. حالا باغ‌های بزرگ و یکپارچه که امکان تولید و بسته‌بندی دارند در حال تکه‌تکه‌شدن و تبدیل به ویلا هستند. شهرداری هم به بعضی‌ها مجوز می‌دهد و به بعضی‌ها نه. در آینده چه اتفاقی می‌افتد؟ آبی که صرف باغ و تولید می‌شد، صرف خانه و ساختمان می‌شود و مصرف آب بالاتر رفته و تولید کم می‌شود و آرام‌آرام همه اینها از بین می‌روند و منطقه‌ای خشک و بیابانی خواهیم داشت که منطقه‌ای برای تولید ریزگرد خواهد بود. به‌عنوان مثال اطراف شهریار، رباط‌کریم و کرج هم همین‌طور است. اکنون کلی از منابع ریزگردهای تهران در اطراف تهران شکل گرفته که شهر را پر از گردوخاک می‌کند. اطراف قزوین هم همین است. باغستان قزوین، بیش از دو هزار هکتار باغ خوب است که باعث می‌شود شهر قزوین شرایط خوبی داشته باشد. مدام به این کار روی آورده‌ایم که تکه‌ای از باغ‌های قزوین را به شهرک و اداره و بیمارستان تبدیل کنیم. بعد از مدتی باغ‌های اطراف قزوین از بین می‌رود و آب‌وهوا هم تغییر پیدا می‌کند و معضلاتی ایجاد می‌شود. در مشهد هم همین‌طور است. دیگر اثری از باغ‌های طرقبه و شاندیز وجود ندارد.

این زمین‌خواری‌ها هم فرم قانونی داشت؟

خیلی‌هایشان غیرقانونی بود.

شاندیز قانونی بود؟

از نظر ما پدیده شاندیز، موج‌های خروشان، مجتمع پاسارگاد و... دارای مجوز نبودند و قبل از شروع به ساخت از ما هیچ مجوزی نگرفتند. البته پدیده شاندیز مجوزهایی گرفته که شکل ظاهری قانونی به آن داده اما در آن زمان، مجوز تغییر کاربری اراضی کشاورزی نگرفت.

سازمان اراضی کشور به‌عنوان دبیر کارگروه برخورد با زمین‌خواری، مطرح است. از آخرین زمین‌خواری‌ها چه خبر؟

در برخی طرح‌ها برای ایجاد باغ یکپارچه زمین گرفتند و زمین را تکه‌تکه و با تغییر کاربری غیرمجاز، ساختمان‌سازی کردند. در طرح اولیه‌شان احداث ساختمان نبوده که این تخلف است. درحال‌حاضر وقتی ورود پیدا می‌کنیم، مسائل اجتماعی زیادی به وجود می‌آید. قبلا با این کارها برخورد نشده و ما حالا فشار این اتفاقات را تحمل می‌کنیم، اما به‌هرحال در ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و کارگروه برخورد با زمین‌خواری، هماهنگی بین سه قوه وجود دارد. رویکرد ما ایجاد هماهنگی بین همه دستگاه‌هاست. شروع به بررسی سواحل در شمال ایران کرده‌ایم. یکی از ایرادها، نبود آیین‌نامه در این زمینه بوده یا اینکه دستگاه‌ها به وظایف خود آشنا نبودند. قرار شد سواحل سند جدیدی صادر نکنند تا تکلیف زمین‌های این قسمت‌ها تعیین شود. بعضی طرح‌ها مثل هتلی که قرار بود در رامسر ساخته شود و جنگل تخریب شده بود، جلوی آن گرفته شد و طبق دستور قضائی برخورد کردیم. یک نمونه دیگر هم، زمین کشاورزی به مساحت ۱۰ هکتار در عباس‌آباد مازندران را به جای کار گردشگری، غصب کرده بودند و قصد ویلاسازی داشتند که آن را فعلا متوقف کرده‌ایم. پرونده‌هایی هم در محمودیه و اطراف تهران بوده که در حال پیگیری هستیم.

خبر

آیا شرکت‌های ایرانی کارچاق‌کن هستند؟

• **ایسنا:** جمعی از مدیران و رؤسای هیأت‌مدیره شرکت‌های خصوصی فعال در بخش بالادستی صنعت نفت و تولیدکنندگان تجهیزات و ارائه‌کنندگان خدمات فنی، از نامه اخیر احمد توکلی به معاون اول رئیس‌جمهور انتقاد کرده‌اند. در این نامه انتقادی که خطاب به جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور تهیه شده، با اشاره به رویکرد مصرح در سند ابلاغی سیاست‌های برنامه ششم توسعه از سوی مقام معظم رهبری و تأکید معظم‌له بر حمایت از تأسیس شرکت‌های غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اکتشاف و بهره‌برداری و توسعه میادین نفت و گاز و جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور و سرمایه‌گذاران خارجی با ایجاد انگیزه و مشوق‌های لازم، تصریح شده است مصوبه هیأت وزیران درباره الزام مشارکت شرکت‌های E&P ایرانی با شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی صاحب سرمایه و تکنولوژی، در راستای اجرائی‌شدن این ابلاغیه است.

این نامه به امضای نمایندگان شرکت‌های مختلف بخش خصوصی رسیده است و امضای رئیس هیأت‌مدیره انجمن شرکت‌های مهندسی و پیمانکاری نفت، گاز و پتروشیمی، رئیس هیأت‌مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران، رئیس هیأت‌مدیره انجمن صنفی مهندسان پلیمر و شیمی ایران، رئیس هیأت‌مدیره انجمن حفاری نفت و گاز و رئیس هیأت‌مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی ایران در آن به چشم می‌خورد.

مدیران ارشد صنایع بخش خصوصی بخش نفت کشور در ادامه، از محتوای نامه نماینده سابق تهران که آن را «توهین‌آمیز» خوانده‌اند و شرکت‌های ایرانی فعال در صنعت نفت را که «سال‌ها در همه صحنه‌های پرشکوه انقلاب اسلامی، جنگ و تحریم بار سنگین سازندگی کشور را به عهده داشته و باوجود تنگناهای تحریم، همه امکانات و توانایی‌های خود را در اجرای پروژه‌های بزرگ ملی کشور به کار گرفته و اکنون بیش از ۹۰ هزار میلیارد تومان از دولت طلبکار هستند، با نام شرکت‌های کارچاق‌کن طرف خارجی در کشور یاد کرده است و شرکت‌های مزبور را که همیشه برای توانمندسازی داخل، بیشترین ریسک‌ها را پذیرفته‌اند، بنگاه‌های نازپرورده و مصرف‌کننده نامیده» انتقاد کرده‌اند. براساس تأکید صاحبان صنایع بخش خصوصی کشور در این نامه، مصوبه هیأت وزیران برای اولین‌بار این فرصت را برای شرکت‌های ایرانی به وجود آورده است که به صورت فعال در مشارکت‌ها ورود پیدا کنند و با حضور در فرایند اجرای قراردادهای آموزش نیروهای داخلی و انتقال دانش و توسعه فناوری، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه میدان، یادگیری مهارت‌های مدیریتی و مهندسی مخازن و به‌کارگیری توان سازندگان و پیمانکاران داخلی در طرح‌های توسعه میدان جایگاه و توان دانش و تخصص خود را تضمین کنند. صاحبان ارشد صنایع بخش خصوصی کشور تصریح کرده‌اند: «دراین‌بین حتی پیمانکار خارجی متعهد است، از حداکثر توان فنی و مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرائی کشور استفاده و برای انجام برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی مشترک و مرتبط برای به‌روزرسانی مراکز تحقیقاتی موجود و ایجاد مراکز تحقیقات مشترک در هر قرارداد سرمایه‌گذاری کند».

مدیران ارشد صنایع خصوصی فعال در صنعت نفت در ادامه، ضمن ابراز تأسف از عناوین به‌کاربرده‌شده برای شرکت‌های بخش خصوصی کشور در نامه نماینده سابق تهران و اینکه اولویت این شرکت‌ها را به دلیل خصوصی‌بودنشان، کسب سود حداکثری از پروژه و نه الزاما فناوری مورد نیاز کشور دانسته است، آورده‌اند: «متأسفانه با وجود مصوبه هیأت وزیران، این دوستان بسیار توهین‌آمیز این شرکت‌ها را به‌عنوان کارچاق‌کن و بنگاه نازپرورده و مصرف‌کننده معرفی می‌کنند. این وهن است که گفته شود، شرکت‌های ایرانی کسب درآمد از پروژه را به کسب فناوری جدید ترجیح می‌دهند».

کارآفرینان صنعت نفت تصریح کرده‌اند: «به‌این‌وسیله تشکل‌های مردم‌نهاد زیر این نحوه برخورد مخرب با شرکت‌های ایرانی را که توانایی‌های آنها تأییدشده از سوی همه شرکت‌های نفتی بین‌المللی نیز هست، نکوهش کرده و امیدواریم که مجلس شورای اسلامی دوره دهم و دولت محترم و وزارت نفت تلاش کرده و با حمایت شرکت‌های ایرانی در کشور، مشارکت تشکل‌های صنفی را در جریان تصمیم‌سازی بیش از پیش کند؛ چراکه ایران باید به دست ایرانی ساخته شود». در پایان این نامه از معاون اول رئیس‌جمهور به نمایندگی از هیأت وزیران درخواست شده است که به بیانیه و خطابه